



یادداشت

مجلس شروع نکرده زیر تمام وعده‌های اش زد

صادق کار



از زمان تشکیل مجلس جدید تا کنون همه روزه شاهد تجمع گروه‌های مختلف مزدبگیران در مقابل مجلس بوده‌ایم. کمتر روزی را در این مدت می‌توان سراغ گرفت که یک یا چند تجمع اعتراضی - مطالباتی با خواست رسیدگی تجمع کنندگان به خواسته‌های شان انجام نشده باشد. بعضی از گروه‌های شغلی در این مدت چند مرتبه مقابل مجلس گردآمده‌اند، بعضی دیگر در گروه‌های چند صد نفره از شهرهای دور و نزدیک به امید حل شدن مشکلات شان به تهران سفر کردند و چند شبانه روز را زیر سقف آسمان سرد و دودگرفته پایتخت به سر بردند و دست خالی به شهرهایشان بازگشتند. از کارگران آبفای کهگیلویه و بویر احمد و آموزشیاران نهضت سواد آموزی و معلمان شرکتی و حق‌التدریسی تا کارگران هفت تپه، هپکو و پرستاران شرکتی تا بازنشستگان تامین اجتماعی همه به امید اینکه از این امام زاده معجزه‌ای سر بزنند به سراغ مجلس آمدند اما تقریباً چیزی جز یک مشتت وعده سرخرمن تازه نصیب هیچیک از گروه‌های معترض نگردید.

مراجعه‌ی گروه‌های ناراضی به مجلس دو دلیل داشت. دلیل نخست ناامیدی آنها از دولت روحانی بخاطر لگد مال کردن حقوق شان بود که طی ۸ سال زحمتکشان جز خیانت به خود چیز دیگری از او ندیده بودند و دلیل دوم وعده‌های دهن پرکن و فریبکارانه محافظه‌کاران رقیب دولت بود که کوشش می‌کردند و همچنان می‌کنند با استفاده از نارضایتی گسترده‌ی کارگران از عملکرد و سیاستهای نئولیبرالیستی دولت روحانی و یک رشته مانورهای شیدانه مجلس و قوه قضایی مانند آن چه که در مواجهه با کارگران هفت تپه از آنها سر زد. آنها سعی کردند کارگران و مزد و حقوق‌بگیران را بفریبند و آرا و حمایت آنها را به دست آورند. که البته خوشبختانه آنطور که انتظار داشتند چنانچه در تحریم گسترده انتخابات فرمایشی مجلس و رویدادهای بعدی دیده شد موثر هم واقع نشد. اما از آنجا که، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در پیش است انتظار می‌رود که مانورهای فریبکارانه محافظه‌کاران تا بعد از انتخابات بعدی ادامه پیدا کند و بعد از آن آنها آن روی دیگر خودشان را به مردم نشان دهند.

آنهایی که برای رسیدگی به خواسته‌هایشان به مجلس روی آورده و می‌آورند کار خطایی نکرده و مراجعه آنها از روی توهم داشتن نسبت به جریان حاکم بر مجلس نیست. آنها اگر نسبت به باندهای مافیایی حاکم بر مجلس متوهم



بودند در انتخابات شرکت می کردند اما نکردند و آگاهانه هم شرکت نکردند. اما حق شهروندی خود می دانند که از نهادهای قدرت بخواهند به مطالبات شان رسیدگی و قوانین لازم مرتبط به آنها را تصویب کنند. برای مثال، معلمان حق التدریسی برای تصویب قانون استخدام شان توسط آموزش و پرورش به مجلس مراجعه کردند، پرستاران و معلمان شرکتی نیز بهمین خاطر و کارگران هفت تپه و هپکو نیز برای لغو خصوصی سازی.

اما مجلس پر مدعا خیلی زودتر از آنچه انتظار می رفت ماهیت خودش را در مقابل فشار توده‌ای برای انجام وعده‌هایی که داده بود را با کنار گذاشتن آنها در عمل لو داد. نمایندگان مجلس نه تنها در جهت هیچ یک از وعده‌های شان عمل نکردند، بلکه خلاف آنها اقدام کردند.

از ابتدا هم روشن بود که این مجلس نیز مانند مجالس پیشین نه مایل و نه قادر به حل مشکلات و پاسخ دادن به مطالبات زحمتکشان است، کما اینکه مجلس پیشین نیز که اصلاح طلبان و طرفداران روحانی در آن اکثریت داشتند نه تنها به این مشکلات و مطالبات بی توجهی نشان دادند، بلکه در خلق آنها نقش زیادی داشتند. مشکل این نیست که برای حل مشکلات زحمتکشان راه کار وجود ندارد، بلکه مشکل در ماهیت و سیاستهای عدالت ستیزانه و ناکارایی حکومت است. بهمین جهت چندان تفاوتی نمی کند که کدام یک از جناح های اصلی حکومت و از چه طریقی دولت، مجلس و دیگر نهادهای قدرت را در اختیار داشته باشد. فشار به کارگران و محروم کردن آنها از حق و حقوق شان ده‌ها سال است که توسط دولت‌ها و مجالس مختلف و دیگر نهادهای حکومتی دنبال شده است. حتی تعرض و تجاوز به حقوق و سطح معیشت زحمتکشان در مجلس ششم تحت کنترل جریان اصلاح طلبان که ادعای چپگرایی هم داشتند، در دولت خاتمی، احمدی نژاد و رفسنجانی بدون وقفه ادامه داشته است. موضع خامنه‌ای نیز از آغاز به قدرت رسیدن حکومت همواره هم راستا با ضد کارگرترین جریان حکومتی جریان موثلفه بوده است. راه قانونی خصوصی سازی های پرفساد را خامنه‌ای با صدور فرمان اصل ۴۴ قانونی اساسی و فزونی کردن میدان تعرض جریانات سوپر راست حکومتی فراهم کرد.

با این همه اما اینها نباید موجب شوند که کارگران و زحمتکشان از چنین نوع اعتراضاتی دست بکشند. اما نباید فریب وعده‌های انتخاباتی کارگزاران رژیم را بخورند و در انتخاباتی که نتیجه آن به زیان حقوق و منافع آنهاست شرکت کنند.

شرکت در انتخابات مادامی که طبقه کارگر حتی از حق تشکیل سندیکا برای دفاع از حقوق صنفی اش محروم است و به ن زحمتکشان اجازه داده نمی شود که نمایندگان خودشان را بدور از فشار و تهدید برای نمایندگی کاندیدا نمایند تنها نتیجه‌اش تقویت دشمنان طبقه کارگر است. این عین بیشر می است که فعالین سندیکایی را دسته دسته روانه زندان و شکنجه خانه های قرون وسطایی کنند و همزمان با آن از کارگران و زحمتکشان بخواهند در انتخابات فرمایشی شرکت کنند و به نامزدهای یکی از دوگروه از دشمنان شان رای بدهند

به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



افول نتولیرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش اول

فردناندو روگیتسکی



این نوشته در صدد ترسیم پیامدهای سیاسی و اقتصادی پاندمی معلول ویروس کوروناست، و می‌کوشد این پیامدها را بر زمینه مفهوم "برش" (مقطع، برزخ Interregnum)، به معنایی که گرامشی به کار می‌گرفت، قرار دهد. ابتدا زوال سلطه سه گانه ای که مشخصه بازار جهانی در دهه پیش از بحران ۲۰۰۸ بود، بررسی می‌شود. سپس امواج اعتراض جهانی و جابجائیهای انتخاباتی که از ۲۰۱۰ به بعد بروز یافتند، به عنوان قرآینی از بحران هژمونی نتولیرالی تفسیر می‌شوند. همین همزمانی و همراهی بحرانهای اقتصادی و هژمونی است که به مفهوم برش شکل می‌دهد. سرانجام گفته خواهد شد که نبرد علیه پاندمی می‌تواند به غلبه بر نتولیرالیسم باینجامد. برنامه ام این بود که این نوشته را پیش از پاندمی ویروس کورونا بنگارم. هدف اولیه ام بررسی نااطمینانهائی بود که بحران ۲۰۰۸ از خود به جا گذاشته بود. بنابراین، این نوشته می‌توانست یکی از انبوه مقالاتی باشد که در بررسی های انتقادی سالهای گذشته [پیرامون بحران پیشگفته] به فرمولبندی آنتونیو گرامشی، که دیگر به یک کلیشه تبدیل شده، متوسل شده اند. منظورم این فرمولبندی است: "بحران دقیقاً ناشی از این واقعیت است که کهنه در حال مرگ است و نو هنوز زاده نشده است. در چنین برشی است که انواع متعددی از عوارض بیماری بروز می‌کنند" ۱. در بحبوحه پاندمی اخیر شاید معقولانه ترین کاری که می‌توان کرد این باشد که اعلام کنیم نااطمینانیهایی که مراتب از آنچه تصور می‌کرده ایم، بزرگتر و عمیقتر بوده اند. زندگی روزمره به ناگهان دستخوش تغییری رادیکال شد و هنوز نیز پیش بینی قابل اتکائی، در این باره که ویروس کی کنترل خواهد شد، وجود ندارد. با این وجود به نظر می‌رسد شواهدی وجود دارند حاکی از آن که تراژدی کنونی به این برش پایان خواهد داد و "نو" از میان آوار آن پدید خواهد آمد. پیش بینی تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر مبارزه با پاندمی رخ خواهند داد، بسیار دشوار است. این تغییرات از جمله وابسته به طول "تعطیل" (Lock down) اند که اکنون در همه جا برقرار شده است. هدف این نوشته پیش بینی این دست تغییرات نیست. تنها ادعای آن این است که ما در "پساکورونا" نتولیرالیسم را پشت سر خواهیم گذاشت. برای تبیین این ادعا نتایج بحرانی که در سال ۲۰۰۸ زبانه کشید، بررسی شده اند. در پایان نوشته برای اثبات این ادعا، که به واقع یک "شرط بندی" است، تلاش می‌شود.



اقتصاد و سیاست از سال ۲۰۰۸

با سقوط قیمت مسکن و عواقب آن برای بازار، و آثار آن خاصه بر بازار رهن در سال ۲۰۰۷، ضعف سیستم مالی کشورهای ثروتمند آشکار شد. اما، اگر تعیین واقعه ای به عنوان مبداء یک روند مجاز باشد، همانا روز دوشنبه ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸، زمانی که بانک سرمایه گذاری برادران لهمان Lehman Brothers در امریکا اعلام ورشکستگی کرد، بود که بحران فوران کرد. از آن پس زنجیره بی پایان بحرانهای اقتصادی و سیاسی چنان غافلگیرکننده بوده است که ارائه تصویر جامعی از آن به دشواری ممکن است. شاید تاریخنگاری خلاصه رویدادهای اصلی کمکی باشد.

علیرغم واکنش هماهنگ دولتها برای کاهش آثار بحران مالی سال ۲۰۰۸، این بحران در سال ۲۰۰۹ منجر به انجماد بازارهای مالی شد و اقتصاد جهانی را به کشاند. در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ مرکز زلزله بحران از آتلانتیک شمالی عبور کرد و به منطقه یورو رسید. *آدام توزه Adam Tooze* بحران یورو را چنین توصیف کرده است: "پس لرزه سنگین زلزله سال ۲۰۰۸ در سیستم مالی آتلانتیک شمالی که کار خود را با تأخیر و از مجرای هزارتوی اتحادیه اروپا به انجام رساند." اعتبارات و اوراق قرضه عمومی در کشورهای حاشیه ای این اتحاد زیر حمله سنگین سوداگرانه ای قرار گرفتند که ترمیم اقتصاد اروپا را غیرممکن می کرد: تولید ناخالص داخلی کشورهای اتحادیه در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ نیز افت کرد و تنها از آن پس رو به بهبود کندی نهاد. در این مرحله کشورهای ایرلند، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا و یونان بیشترین خسارات را متحمل شدند. تمایل بازارهای مالی به تولید کلمات اختصاری رنگ کنایه آمیزی به خود گرفت و این کشورها تحت عنوان PIIGS، که از حرف اول اسامی آنها تشکیل شده می شود، گروه بندی شدند (منظور حرف اول اسامی Portugal, Ireland, Italy, Greece, Spain است که می تواند تداعی کلمه "خوکها" در انگلیسی باشد).

بحران با ادامه راه خود، در اوائل سال ۲۰۱۲ به اثرگذاری عمیقی در اقتصاد شرق آغاز کرد و به ویژه از سرعت رشد اقتصاد چین کاست. رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۲، برای دومین بار از سال ۱۹۹۱، به زیر ۸ درصد سقوط کرد و از آن پس تا سالهای سال کاهش می یافت.

مزید بر وقفه در رشد اقتصاد چین، از دیگر آثار بحران بر اقتصاد جهانی ختم رونق در برخی دیگر از کشورها در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ بود: کشورهایی که همچون برزیل و همسایگان اش، به صادرات کالاهای اولیه متکی اند. ***

اگر اشتباه نکنم، عنوان کنفرانس *ماتریالیسم تاریخی* که هر ساله در نیویورک برگزار می شود، در سال ۲۰۱۱ از همین گفته گرفته شده بود. احتمالاً این اولین ارجاع به آن از پس از سال ۲۰۰۸ نبوده است. سال گذشته نوانسی فرایزر و سابرینا فرناندز - دو نمونه از بسیارها - با الهام از این گفته عنوان کتابهایشان را انتخاب کردند. یکی از کاملترین و جالبترین روایتها از این دوره، روایت آدام توزه است. جز در مواردی که منبع دیگری تصریح شده باشد، باقی داده های این نوشته از اسناد بانک جهانی گرفته شده اند. این داده ها در آدرس data.worldbank.org در دسترس اند.

بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



با پیگرد و محاکمه فعالین سندیکایی نمی توان صدای اعتراض زحمتکشان را خاموش کرد

صادق



در هفته های اخیر همزمان با گسترش اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف کشور، فشار به فعالین سرشناس سندیکایی شدید و پیگرد آنها افزایش پیدا کرده است. تعدادی از افرادی که در هفته های اخیر برای بازجویی یا گذراندن دوران محکومیت پیشین شان توسط نهادهای قضایی و امنیتی احضار شده اند، قبلا نیز محاکمه و محکوم و هر یک مدتی را نیز در زندان گذرانده اند. عجیب اینکه بعضی از آنها که در دادگاه های تجدید نظر تبرئه شده بودند نیز دوباره برای گذراندن محکومیتی که تبرئه شده اند احضار شده اند!

در هفته گذشته عطا باباخانی بازرس سندیکای کارگران شرکت واحد را پس از شرکت در تجمعات بازنشستگان از طرف پلیس امنیت کرج احضار کردند. این هفته داود رضوی و علی قربانیان دوتن دیگر از فعالین این سندیکا را احضار نمودند. افزون بر ۲۷ کارگر هفت تپه که همچنان تحت پیگرد قرار دارند علی نجاتی عضو پیشین هیئت مدیره سندیکای هفت تپه را نیز برای گذراندن محکومیت ۵ ساله ای که قبلا گرفته بود و بخاطر بیماری قلبی آزاد شده بود دوباره احضار کرده اند و او را تهدید کرده اند که اگر به موقع خودش را به زندان معرفی نکند دفترچه حساب بانکی اش را توقیف خواهند کرد و ظاهرا این کار را هم کرده اند.

دو سه هفته پیشتر نیز جوانمیر مرادی رهبر انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه را دستگیر کردند. بعضی خبرهای دیگر نیز حاکی از تهدید و احضار عده دیگری از فعالین کارگری و حتی افزایش فشار به کارگران و معلمان زندانی و خانواده های آنها دارد. گفته می شود که نهادهای امنیتی و قضایی که به شدت از تجمعات کارگری و بازنشستگان به خشم آمده اند و نمی توانند به لحاظ و نگرانی از افکار عمومی و حقانیت اعتراضات آنها را در خیابان سرکوب کنند تلاش دارند با بازداشت و به زندان بردن فعالین سرشناس و مبارز که نتوانسته اند آنها را وادار به دست کشیدن از فعالیت ها سندیکایی کنند جلوی این اعتراضات را که بی وقفه ادامه دارند بگیرند و صدای معترضین را خفه کنند. درسه چهار ماه پیش و قبل از برگزاری انتخابات مجلس که همزمان بود با اعتصابات طولانی کارگران هفت تپه ابراهیم رئیسی که سعی می کرد خودش را مخالف سرکوب اعتصابات و زندانی کردن کارگران و خصوصی سازی رانتی و عدالتخواه جا بزند با همراهی عده ای از بسیجیان که خود را



بسیج دانشجویی عدالتخواه معرفی می کردند ظاهرا با بازداشت کارگران مخالفت و عده‌ای از کارگران را که بخاطر اعتصاب بازداشت شده بودند آزاد کرد.

در اعتصابات کارگران هفت تپه دانشجویان بسیجی وابسته به رئیسی هم شرکت می کردند و ظاهرا از خواسته های کارگران و محاکمه اسد بیگی حمایت می کردند. اما مدتی بعد مسئولین قضایی ابتدا دادگاه اسد بیگی را متوقف نمودند و او را به کارخانه بازگرداندند، سپس حکم بازداشت ۲۸ تن از کارگران شرکت کننده در اعتصاب هفت تپه را صادر کردند. پس از این وقایع بطور ناگهانی دانشجویان بسیجی نیز غیب شان زد و اثری نه از آنها دیده شد و نه از رئیسی و نمایندگان مجلس مدعی حمایت از کارگران. اکنون نیز که بساط بگیر و ببند دوباره پهن تر از گذشته شده صدایی از رئیسی و دانشجویان بسیجی اش و آن یکی دو نماینده مجلس که مرتب مدتی و عده حمایت از کارگران را می داد اثری نیست. انگار همه آن مانورها بخاطر بده بستان بین دولتی ها و دارودسته رئیسی بوده که با توافق آنها بر سر باز تقسیم سهم هر یک از اموال عمومی ختم به خیر شده و پایان یافته‌اند و آنها دست در دست هم مشغول سرکوب کسانی شده‌اند که از جانب آنها منافع شان را در خطر می بینند. از اول نیز نظر به سوابقی که از این جریانات و مناسبات فی مابین شان وجود داشت ما نتیجه این مانورهای فریبکارانه را پیشبینی و در جنگ کارگری نسبت به آن به فعالین کارگری هشدار داده بودیم. قبل از آن از همان بدو نشان دادن رئیسی بر مسند قوه قضایی حکومت و توهم پراکنی های عده‌ای از اعضای تشکلهای دولتی در مورد رئیسی ماهیت مانورهای مذکور را افشا کرده بودیم. انتظار هم داشتیم که ماهیت این رفتارها برای همگان پس از مدتی آشکار شود، اما نه اینقدر زود. گفته‌اند زمانی که مبارزه طبقاتی در جامعه حاد شود پنهان کردن ماهیت و موضع سیاسی - اجتماعی واقعی افراد و جریانات هم نا ممکن می شود. ما امروز در ایران در چنین شرایطی قرار داریم. این بگیر و ببندها در چنین شرایطی نه تنها نمی تواند از دامنه اعتراضات زحمت کشان بکاهد و آنها را وادار به تمکین نماید بلکه موجب رادیکالیزه تر شدن مبارزات زحمتکشان و افزایش آگاهی و رشد مبارزات خواهد شد.



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ادامه اعتراضات همزمان بازنشستگان در دهها شهر کشور

همایش های اعتراضی حق خواهانه بازنشستگان تامین اجتماعی در این هفته نیز ادامه پیدا نمود و هزاران بازنشسته خشمگین از دولت و مجلس و معترض نسبت به شرایط معیشتی خود که دم به دم وخیمتر و غیر قابل تحملتر می شود در دهها شهر مختلف در مقابل مراکز تامین اجتماعی و مجلس بار دیگر به اعتراض برخاستند و خواستار افزایش حقوق و مستمری ها، بیمه کارآمد رایگان، پرداخت بدهی های نجومی دولت به سازمان تامین اجتماعی و همسان سازی واقعی حقوق همه گروه های بازنشستگان عادی و بازنشستگان مشمول قانون کارهای سخت و زیان آور شدند. در پایان این تجمعات که توسط تشکلهای نوپا و مستقل بازنشستگان سازماندهی و هدایت می شدند قطعنامه مشترکی حاوی مطالبات بازنشستگان همراه با تاکید بر ادامه تجمع ها و اعتراضات در صورت عملی نشدن مطالبات منتشر شد. در جریان برگزاری این ها شعارهایی نیز در مورد مطالبات و علیه رفتار دولتمردان و مجلس و تامین اجتماعی سر داده شد. تجمعات دیگری نیز بطور جداگانه به دعوت یک تشکل دولتی بنام (پیشکسوتان (که وابسته به خانه کارگر است در روز چهارشنبه ۲۸ بهمن برگزار شد. شایان ذکر است که این تشکل دولتی ت پیش از شروع فعالیت تشکلهای مستقل بازنشستگان از دعوت بازنشستگان به اعتراض خیابانی پرهیز می کرد ولی بعد از برگزاری اعتراضات خیابانی توسط تشکلهای مستقل و استقبال گسترده بازنشستگان از تشکلهای مستقل بخاطر رقابت با آنها مجبور به برگزاری اعتراضات کنترل شده خیابانی جداگانه و تفرقه افکنانه گردید. این تغییر به روشنی اهمیت وجود تشکلهای مستقل و نقش و تاثیر آنها در مبارزات زحمتکشان را نشان می دهد.

ادامه بی وقفه اعتراضات کارگران هپکو

اعتراضات کارگران هپکو نسبت به بلاتکلیفی شغلی و پرداخت نشدن دستمزدهای دو ماهه اخیرشان به صورت بی وقفه در این هفته نیز ادامه یافت کارگران خشمگین و معترض به رفتار غیر مسئولانه دولت و تامین اجتماعی در جریان تجمعاتی که برگزار کردند گوشه هایی از زدوبند و اختلاسهایی را که در جریان واگذاری این شرکت پیش آمده را افشا کردند. با این همه هنوز هیچ مسئول دولتی نه به مطالبات و نه به این افشاگریها پاسخ نداده است. به نظر می رسد کارگران با وجود سکوت حساب شده مسئولین دولتی مصمم به ادامه اعتراضات شان تا دست یافتن به مطالبات خود هستند.



اعتصاب کارگران "شرکت تهران جنوب" در خوزستان

به دنبال اخراج ۲۵ تن از کارگران شرکت تهران جنوب خوزستان کارگران این شرکت در ۲۵ بهمن بعنوان اعتراض به اخراج همکاران شان اعتصاب و برای نشان دادن اعتراض خود و جلوگیری از اخراج آنها تجمع کردند. ظاهراً علت اخراج این ۲۵ کارگر که از افراد بومی نیز هستند کمبود بودجه و مشکل مالی عنوان شده است. به نوشته ایلنا که خبر این اعتصاب را منتشر نمود شرکت جنوب تهران در بندر ماهشهر قرار دارد و در زمینه پمپاژ در پالایشگاه بید بلند فعالیت دارد. شایان ذکر است که سال جاری اعتراضات و اعتصابات متعددی علیه اخراج کارگران بومی و استخدام نکردن آنها در مناطق مختلف خوزستان صورت گرفته که حاکی از حساسیت هایی است که در منطقه نسبت به این موضوع وجود دارد. برخی شواهد نیز حاکی از این است که عمدی در این قضایا وجود دارد. کارگران اخراجی بین ۶ تا ۱۶ سال سابقه کار دارند.

احضار ۴ فعال سندیکایی توسط نیروهای امنیتی

در این هفته احضار فعالان سندیکایی توسط پلیس سرکوب نیز ادامه یافت و همزمان با گسترش اعتراضات کارگری ۴ تن دیگر از آنها به مراکز امنیتی احضار شدند. به غیر از داود رضوی، عطا باباخانی، و علی قربانیان که همگی از اعضا و رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد هستند، علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه نیز جهت گذراندن ۵ سال محکومیت پیشین خود احضار شده است. جرم افراد نامبرده در واقع چیزی غیر از ادامه فعالیت های سندیکایی و شرکت در تجمعات مسالمت آمیز کارگری نیست. سرکردگان دستگاه سرکوب به خطا تصور می کنند که گویا می توانند با پیگرد فعالین و رهبران سندیکایی شناخته شده و با سابقه به اعتراضات رو به گسترش خیابانی کارگران شاغل و بازنشسته خاتمه داده و آنها را در گرسنگی از اعتراض باز دارند. اما باید بدانند که اکنون با لشگری از فعالینی مواجه هستند که بازداشت و پیگرد تعدادی از آنها نمی تواند از اعتراضات فزاینده زحمتکشان بکاهد. یعنی شعور درک این واقعیت عریان را که انسانهای گرسنه را نمی توانند با زور به تمکین وادارند را ندارند.

۹ تشکل مستقل کارگری دستمزدها نباید کمتر از ۱۲،۵ میلیون تومان باشد

شرایطی که دولت و کارفرمایان با وجود افزایش شدید گرانی و تورم و سقوط ارزش دستمزدها در اثر سقوط ریال همچنان با ترفندهای فریبکارانه و بهانه های واهی از افزایش دستمزدهای زیر خط فقر کارگران و حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی طفره می روند و قصد واگذار کردن تعیین دستمزد به کارفرمایان را دارند، ۹ تشکل مستقل کارگری مرکب از کارگران، معلمان بازنشستگان با صدور بیانیه مشترکی گفته اند، دستمزدها و حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی نباید از ۱۲،۵ میلیون در ماه کمتر باشد.

سندیکاهای کارگران واحد، هفت تپه، کانون صنفی معلمان اسلامشهر، گروه اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، زیر این بیانیه مشترک را امضا کرده اند.



اعتراض کارگران "ارتاواول تایر" در تاکستان

کارگران کارخانه ارتاواول تایر واقع در تاکستان نسبت به دستمزد مصوب شورای عالی کار در سال گذشته و همچنین عدم اجرای طبقه بندی مشاغل در کارخانه که می تواند به افزایش دستمزد و مزایای مزدی شان منجر شود اعتراض دارند.

کارفرمایان از انجام طبقه بندی مشاغل که در قانون کار بعنوان یک حق برای کارگران در نظر گرفته شده، به نظر می رسد تصمیمی جمعی است که از طرف اتحادیه های کارفرمایی اخذ شده باشد.

ها و سندیکاهای کارفرمایی بر خلاف اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری در ایران آزاد و اکثر شان از همه نوع حمایت دولتی برخوردارند و در تغییر و تحولات قوانین و مقررات در جهت افزایش منافع و نفوذ کارفرمایان و سرمایه داران نقش غیر قابل انکاری دارند. این در حالی است که های کارگری از نظر حکومت از حق فعالیت محروم اند و هرگاه در صدد پیگیری و دفاع از حقوق صنفی کارگران باشند تحت پیگرد قرار گرفته و مجازات می شوند.

تجمع کارگران آب و فاضل آب در خرمشهر

کارگران آب و فاضل آب خرمشهر در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان طی چند ماه گذشته در ۲۸ بهمن در این شهر تجمع و خواستار پرداخت آنها توسط شرکت پیمانکار شدند. به گفته کارگران وضعیت کارگران آب و فاضل آب در سایر شهرهای خوزستان نیز مشابه آنهاست و کارگران ماه ها دستمزد از شرکت های پیمانکاری طلب پرداخت نشده دارند. نزدیکی نروز و وضعیت بحرانی معیشتی کارگران به این نوع اعتراضات دامن زده و انتظار می رود در هفته های آینده بر شمار اعتراضات افزوده شود.

کارگران شرکتی مخابرات خوزستان در اعتراض به اجرا نشدن طبقه بندی از امضای قرارداد کاری سرباز زدند

کارگران شرکتی مخابرات خوزستان که با قراردادهای سه ماهه کار می کنند و قراردادهایشان هر سه ماه یک بار تمدید و تجدید می شود، در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهای شان در چند سال اخیر و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل از امضای قراردادهای جدید شان خودداری کردند. سوابق کاری چند ساله این کارگران نشان می دهد که چگونه کارفرمایان در حالی که بطور مداوم به کار گروهی از کارگران نیاز دارند از استخدام رسمی آنها خودداری نموده و با قراردادهای موقت بخش قابل توجهی از حقوق و دستمزد آنها را به جیب می زنند و آنها را به شکل مضاعفی استثمار می کنند.

تجمع معلمان حق التدریسی تهرانی و اصفهانی

زیادی از معلمان حق التدریسی در ۲۸ بهمن با برگزاری تجمعاتی خواستار اجرای قانون استخدام معلمان حق التدریسی و پایان یافتن بلاتکلیفی در وضعیت شغلی خود شدند.

گفتنی است که تجمعات اعتراضی معلمان غیر رسمی که به صورت شرکتی و حق التدریسی با حقوق و مزایای ناچیز برای آموزش و پرورش کار می کنند در یکی دو ماه اخیر به شدت افزایش یافته است. بررسی طرح بودجه



سال آینده دولت که بودجه استخدام های دولتی را نیز تصویب می کند و عدم در نظر گرفتن ردیف بودجه برای استخدام معلمان غیر رسمی از جمله علل افزایش کم سابقه اعتراضات معلمان غیر رسمی است.

همچنین تجمع مشابهی نیز توسط معلمان پیش دبستانی در مقابل اداره آموزش و پرورش شهر ایزه در همین روز با خواست استخدام رسمی برگزار شد. در تجمع معلمان پیش دبستانی معلمان اعضای خانو. اده های شان را نیز با خود آورده بودند

مدارس خصوصی موسوم به غیر انتفاعی نیز در ۲۶ بهمن در اعتراض به وضعیت استخدامی و اندک بودن حقوق و دستمزد های شان مقابل مجلس تجمع و خواستار تصویب قوانینی برای استخدام رسمی خود و برخوردار شدن از حقوق و مزایای رسمی شدند.

پتروشیمی بندر امام در ۲۸ بهمن در اعتراض به رعایت نشدن پروتکل های ایمنی مربوط به کرونا در محل کارشان تجمع کردند

می گویند رعایت نشدن پروتکل های کرونایی توسط کارفرمایان موجب افزایش مبتلایان و فوتی ها در منطقه شده و کارفرما اهمیتی به آن نمی دهد و کارگران نگران به مخاطره افتادن سلامتی خود و خانواده هایشان هستند .

لازم به ذکر است که مسئولین دولتی و ادارات کار و بهداشت هم نه برای رعایت پروتکل ها به کارفرمایان فشار می آورند و نه نظارتی بر کار آنها می کنند. آماری از قربانیان کوید ۱۹ در محل های کار نیز منتشر نمی کنند تا بتوان یک ارزیابی واقعی از رعایت و عدم رعایت اصول ایمنی به دست آورد و ب فکر رفع علل اشکالات بود

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا

را تامین کند!